

رفیق حمید رضا حاتمی



در نیم روز 28 شهریور سال 1359، قلب پر طپش دانش آموز انقلابی حمید رضا حاتمی از حرکت باز ایستاد. فقط 16 بهار از زندگیش گذشته بود که در راه سوسیالیسم و آزادی، به دست تبه کاران رژیم خمینی کشته شد. حمید دانش آموز سال دوم حسابداری در انستیتو بازرگانی تبریز بود. روز 12 شهریور 59، در حالی که در خیابان " متحدین شمالی " (تبریز) نشریه " راه کارگر " را می فروخت، به دام پاسداران افتاد. او که تمام لحظات زندگی کوتاه خود را، وقف آگاه ساختن کارگران و زحمت کشان نموده بود، در آن لحظه نیز چنین کرد. پس با صدای رسا افشاگری نمود تا برای آخرین بار و این بار سر بزنگاه، نقاب از چهره پاسداران سرمایه بردارد. شکارچیان خمینی از سوئی در هراس از افشاگری حمید و از سوی دیگر بیمناک از اعتراض مردم، اعلام می کنند که قصد دارند او را به " دادگاه " ببرند و به این بهانه سوار ماشینش کرده و با خود می برند. فردای آن روز، کارگران منطقه " کوه نمکی " تبریز، پیکر نیمه جان و خون آلود او را در حالی که گلوله های آدم کشان حجمه و دستش را متلاشی کرده و زیر چانه و سینه اش با چاقو بریده شده بود، در بیابان های جاده تبریز - اهر پیدا کرده و بلافاصله به بیمارستان انتقال می دهند. حمید 15 روز در حالت اغماء به سر می برد و سرانجام در روز 28 شهریور 59 ضربان قلب جوانش متوقف می شود.

با وجودی که فقط 3 ماه از پیوستن رفیق حمید به تشکیلات " راه کارگر " (بخش دانش آموزی) می گذشت، او تمام ظرفیت انقلابی خود را وقف مبارزه کرده بود. عشق عظیم و پر طراوت او به کارگران و زحمت کشان و نفرت بی کرانش به سرمایه داران و حامیانشان، از او رفیقی صادق و پر تحرک و رزمنده ساخته بود. به راستی حمید تجسم نسل قیام بهمن بود. نسلی که سلطنت را به گور سپرده بود و حاضر نبود به شیخ و سرمایه تمکین کند. او از ساعت 4 صبح تا نیمه های شب در جنب و

جوش بود. اعلامیه پخش می کرد، بزرگ نویسی می چسباند، نشریه می فروخت، افشاگری می کرد و مدام می آموخت و یاد می داد. به همین خاطر همواره مورد غضب شکارچیان " ولایت فقیه " بود. چندین بار دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفت، ولی هربار آبدیده تر و مصمم تر از پیش پا به میدان می گذاشت. ارگانی که رفیق حمید در آن کار می کرد، از کارآمدترین و پرتحرک ترین تیم های دانش آموزی بود و او در واقع مایه نشاط و قوت قلب رفقایش بود. حمید دیگر در میان ما نیست و چون دیگر رفقایش: امیر احمدی، کیانفر، صالحی راد، نجم الدین به حقیقت جاودانه کمونیسم پیوسته است، ولی درست به همین خاطر همیشه در میان ماست و نام او چون خطوط سنگ قبرش بر قلب ما حک شده است. گرامی باد نام او.